

# تبیین مشروعیت نظام دموکراتیک مبتنی بر قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی ایران

طیبه اسدآبادی<sup>۱</sup> - محمدعلی دارابی<sup>۲</sup>

## چکیده

مشروعیت از مهم‌ترین مسائل حکومت است که همه‌ی نظام‌های سیاسی به آن نیاز دارند و نظام جمهوری اسلامی ایران از آن مستثنی نیست. در نظام‌های دموکراتیک مبتنی بر قانون اساسی، مشروعیت مبتنی بر عرف عامه و اراده‌ی عمومی است و اعطای مشروعیت از سوی مردم به حکومت، آزادی عمل مردم را در چارچوب نوع مشروعیت موردنظر محدود و مشروط به قانون اساسی می‌کند، زیرا در چارچوب قانون اساسی است که تکلیف مشروعیت و حاکمیت مشخص می‌شود. نظام‌های سیاسی مذکور از راه‌های گوناگون سعی می‌کنند که حکومت و حاکمیت خود را برای مردم، مشروع جلوه دهند. با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقوله‌ی مشروعیت حکومت بر اساس معیارهای دینی و عقلانی مشخص می‌شود و در نهایت، فعلیت مشروعیت حکومت به رضایت و مقبولیت مردمی بستگی دارد.

سؤال مدنظر این است که رابطه‌ی مشروعیت سیاسی با دموکراسی در یک نظام دموکراتیک چگونه است؟ نوشتار پیش‌رو با رویکرد توصیفی تحلیلی درصدد واکاوی مفهوم مشروعیت و رابطه‌ی آن با دموکراسی مدرن در نظام دموکراتیک مبتنی بر قانون اساسی و نیز بررسی مشروعیت در نظام جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش حاضر حاکی از آن است که دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی با مفهوم مشروعیت، چه در نظام‌های غربی و چه در نظام حقوقی ایران که مشروعیت آن مبتنی بر مبانی الهی - مردمی است، نسبت و رابطه‌ی مستقیم دارد.

---

<sup>۱</sup>. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه قم  
(tayebe.asadabadi@yahoo.com).

<sup>۲</sup>. تحصیلات حوزوی سطح یک، حوزه علمیه حضرت قائم (عج).



واژه‌های کلیدی: مشروعیت، دموکراسی، قدرت، قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران.

### مقدمه

نظام دموکراتیک مبتنی بر آرا و افکار عمومی است. افراد در یک نظام دموکراتیک مبتنی بر قانون اساسی، خود حق تعیین سرنوشت سیاسی را به موجب اصل مشارکت به دست می‌گیرند. نظامی که بر اساس اراده‌ی افراد بنا شود، بهتر می‌تواند منافع عمومی را تأمین کند. صرف دموکراتیک بودن منشأ حاکمیت برای دموکراسی کافی نیست و حکومت باید منشأ دموکراتیکی خود را مدام تجدید کند.

مشروعیت از اساسی‌ترین مسائل حکومت است که با مفاهیم حق و قدرت ارتباط دارد و حاکم بر اساس نوع مشروعیتی که کسب کرده، محدود به همان منابع مشروعیت می‌شود. اعطای مشروعیت از سوی مردم به حکومت [دیدگاه مبتنی بر مشروعیت مردمی] آزادی عمل مردم را در چارچوب نوع مشروعیت مورد نظر محدود و مشروط به قانون اساسی می‌کند. این مشروعیت در نظام‌های دموکراتیک مبتنی بر این ارزش است که قدرت ناشی از مردم است و این نظام‌ها قادر نخواهند بود، برخلاف خواست مردم بر آن‌ها تحمیل شوند. پویایی نظام دموکراتیک نسبتی ضروری با مشروعیت دارد. در یک نظام دموکراتیک، قوه مؤسس به مردم تعلق دارد و محور اجتماع است. در این نظام‌ها، تصمیم اکثریت در صورتی مشروع است که این اکثریت در جامعه‌ی متشکل از افراد برابر به دست آمده باشد و حقوق بنیادین مدنی و سیاسی هر فرد می‌بایستی تضمین شده باشد.

در جوامع غربی و غیردینی مشروعیت مبتنی بر عرف عامه است و ریشه‌ی قانون را باید در اراده‌ی عمومی جست‌وجو کرد، اما با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مردم یک رکن مشروعیت هستند و حقانیت حکومت بر اساس معیارهای وحی و عقل مشخص می‌شود؛ لذا مشروعیت آن مبتنی بر دین و عقل است. در ارتباط با موضوع

مشروعیت و دموکراسی، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری وجود دارد که به‌طور مجزا به این مهم پرداخته‌اند؛ از جمله کتاب مهم مرتبط با این موضوع، «قدرت مؤسس؛ کاوشی در مبانی حقوق اساسی مدرن» به تألیف دکتر علیرضا دبیرنیا است که مباحث مشروعیت سیاسی دولت مدرن را ارزیابی نموده است. با این حال، آنچه در این نوشتار در پی آنیم، نظامی را به عنوان مدل در نظر دارد که دموکراتیک و ابتدای آن بر قانون اساسی دموکراتیک باشد. در این نوشتار با توجه به اینکه به دنبال بررسی رابطه‌ی مشروعیت با مفهوم دموکراسی در نظام دموکراتیک مبتنی بر قانون اساسی هستیم، ابتدا مفاهیم تبیین شده و به رابطه‌ی مشروعیت و دموکراسی مدرن و بنیان‌های آن پرداخته شده و سپس مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه یک نظام دموکراتیک و مردم‌سالار است، مورد بررسی قرار گرفته است.

#### ۱. مشروعیت

واژه‌ی «مشروعیت» از جهت لغوی، مصدر جعلی از ریشه «شرع» است که به معنی شریعت، آیین و احکام الهی است (قیم، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۱۴۱). مشروعیت را وضع و کیفیت مشروع بودن (مشروعیت هر نظام به قبول آن از سوی مردم بستگی دارد) می‌دانند که صفت آن، مشروع است که در دو معنی؛ ۱. سازگار و مطابق بودن با شرع؛ ۲. بر حق بودن به کار می‌رود (صدری افشار و حکمی، ۱۳۸۲: ۱۱۷۹). در یکی دو قرن اخیر که حقوق اساسی به‌طور متقن و مدونی شکل یافت، اصطلاح مشروعیت و جایگاه آن در حقوق اساسی و حقوق بین‌الملل روشن گشت، اما هنوز نمی‌توان ادعا نمود که دارای تعریفی کاملاً پذیرفته شده است (مرنندی، ۱۳۷۱: ۱). برای مشروعیت دو معنا می‌توان تصور کرد. در معنای اول، مشروعیت به هنجارها و ارزش‌های مربوط به سیاست اطلاق می‌شود که امکان تحقق یک نظام سیاسی را فراهم می‌کند. این هنجارها واضح پایه‌های اخلاقی اقتدار هستند که از فرآیند اجتماعی کردن، نهادینه می‌شوند و مربوط به تصورات اولیه در برابر حکومت، حقوق، الگوهای انتخابات، تغییرات سیاسی و مسئولیت کارگزاران حکومت است. در معنای دوم مربوط به حوزه‌ای است

که مردم تصور می‌کنند که رژیم طبق هنجارها عمل می‌کند (احسانی، ۱۳۸۶: ۷۶). پس از استقرار قدرت سیاسی، مفاهیم متنوعی از مشروعیت از جمله مشروعیت‌های مبتنی بر قانون اساسی، حقوق بشر و ایدئولوژی مطرح می‌شود که مشروعیت مبتنی بر قانون اساسی در یک فرایند دموکراتیک شکل می‌گیرد و از مبانی حقوق بنیادین تبعیت می‌کند که در این مورد هیچ نوع رابطه‌ای بین قدرت سیاسی و مشروعیت مبتنی بر امور غیرمادی در فرآیند تشکیل و استمرار قدرت سیاسی متصور نیست (دبیرنیا، ۱۳۹۳: ۱۳۶). مشروعیت در دو بُعد درونی و برونی ظاهر می‌شود. بعد درونی آن نمایانگر ارتباطات رژیم سیاسی و شهروندان (دولت - ملت) و بعد برونی آن، روابط نظام‌های سیاسی (جایگاه بین‌المللی) را دربرمی‌گیرد (گرچی ازندریانی، ۱۳۸۸: ۳۵۸). به عقیده‌ی روسو، اعمال زور هیچ چیز را مشروع نمی‌کند و قرارداد اجتماعی وسیله‌ی تبدیل زور به حق است. این قرارداد با رضایت افراد صورت می‌گیرد و اساس حکومت‌های مشروع را فراهم می‌کند. در نظام‌های مبتنی بر قرارداد اجتماعی از آنجا که حقی از قبل شناخته‌شده نیست، مشروعیت حکومت در مقبولیت ظهور می‌کند و مردم در مشروعیت و کارآمدی نظام نقش اساسی دارند (حاتمی، ۱۳۸۴: ۵۲). به عقیده‌ی ماکس وبر، مشروعیت بر باور مبتنی است و از مردم، اطاعت می‌طلبد و قدرت وقتی مؤثر است که مشروع باشد. قدرت حق کاربرد اجبار را دارد، اما این، عنصر اصلی آن نیست. قدرت باید مشروعیت داشته باشد وگرنه بی‌تأثیر خواهد بود (عالم، ۱۳۸۸: ۱۰۵). در بحث‌های سیاسی مدرن، مشروعیت در حالتی انتزاعی موجب مطرح شدن این سؤال نمی‌شود که چرا مردم باید از دولت اطاعت کنند، بلکه پرسیده می‌شود که چرا آن‌ها از سیستم حکومتی مشخصی اطاعت می‌کنند (هیوود، ۱۳۷۸: ۳۷). طبیعت مشروعیت ایجاب می‌کند که به مثابه اصلی منطقی و عادلانه، از سوی حاکمان و انبوه فرمان‌برداران پذیرفته شود (صفرپور، ۱۳۸۸: ۴). مشروعیت در حوزه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی به معنای پذیرش قلبی حاکمان و نظام سیاسی از طرف حکومت شونده‌گان است که این پذیرش زمانی محقق می‌شود که شکل موجود سلطه‌ی سیاسی با باورهای مردم

همسو باشد. حتی اگر گروه حاکم بتواند مردم را فریب دهد و نظر آن‌ها را با خود موافق سازد، مشروعیت سیاسی حاصل می‌شود (فاضلی، ۱۳۹۰: ۹۶). در این حوزه، ساخت قدرت بر دو نوع است: یکی ساخت قدرت یک‌جانبه و دیگری ساخت قدرت دوجانبه. در ساخت قدرت یک‌جانبه، قدرت سیاسی مشروعیت خود را از منابعی غیر از مردم به دست می‌آورد، اما نظام‌های دموکراتیک دارای ساخت قدرت دوجانبه هستند که منبع مشروعیت قدرت سیاسی از جامعه ناشی می‌شود و نهادهایی برای مشارکت گروه‌ها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی وجود دارد (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۴). در تحلیل مفهوم مشروعیت سیاسی، آنجا که گفته شد، اگر گروه حاکم نظر مردم را با خود موافق سازد، این نوع مشروعیت ایجاد می‌شود، دارای اشکال است، زیرا در یک نظام دموکراتیک، مشروعیت از متغیرهای مختلفی برخوردار است که رضایت قلبی مردم با اوصاف مذکور نمی‌تواند مشروعیت تولید کند. مفهوم مشروعیت ارتباط تنگاتنگی با مفهوم دموکراسی دارد؛ یعنی اگر یک نظام سیاسی از ویژگی‌های کامل یک نظام دموکراتیک برخوردار نباشد، مشروعیت حاصل نمی‌شود.

## ۲. دموکراسی در مفهوم مدرن

دموکراسی امری (همه یا هیچ) نیست؛ یعنی چنین نیست که نظامی کاملاً دموکراتیک یا غیر دموکراتیک باشد (بختیار، ۱۳۸۳: ۳). اندیشه‌ی دموکراسی زاینده‌ی مدرنیته و صنعتی شدن جوامع انسانی است (نجفی افرا، ۱۳۸۴: ۵۵). دموکراسی در مفهوم مدرن آن در قرن نوزدهم برای نشان دادن نظامی بود که زمامداران از طریق انتخابات آزاد برگزیده می‌شدند (H. Birch, 1993: 46). در جوامع مدرن حکومت مدعی فرمانروایی بر مردم نیست، بلکه به واسطه انتخاب سیاستمداران از سوی مردم، نماینده مردم است (لاگلین، ۱۳۹۲: ۳۲۸). دولت مدرن، شرط مقدماتی دموکراسی است، استقرار دولت مدرن است که برآمد دموکراسی را ممکن می‌سازد، بنابراین رعایت روش‌های دموکراتیک را نمی‌توان قبل از تشکیل دولت مدرن خواستار شد (باریه، ۱۳۹۲: ۳۴۲). یک نظام سیاسی در دموکراسی مدرن، بر مبنای آراء مردم اداره

می‌شود و هدف خود را بر پایه‌ی دفاع از حقوق مردم قرار می‌دهد و تضمین حقوق بنیادین را هسته‌ی اصلی نظام سیاسی می‌داند. قانون اساسی دموکراسی‌های مدرن، می‌تواند نقش مشروعیت بخشی ایفا کند و عامل تداوم مشروع نهادهای سیاسی نظام به حساب آید. در نظام‌های مدرن مفهومی از دموکراسی مد نظر است که منتهی به استقرار حاکمیت مردم شود. در مجموع دموکراسی مدرن از طریق موفقیت در انتخابات بر مبنای برابری سیاسی صورت می‌گیرد و رأی هر شخص دارای یک ارزش است.

### ۳. رابطه مشروعیت و دموکراسی

یک نظام قانون‌گذار در صورتی مشروع است که یک تکلیف موجه نسبت به اطاعت قوانین موضوعه وجود داشته باشد و زمانی چنین تکلیفی وجود دارد که رضایت واقعی نسبت به صلاحیت قانون‌گذار حاصل شود (بارنت، ۱۳۸۴: ۳۱۱). در دولت مبتنی بر لیبرال دموکراسی از بعد نظری تعیین‌کننده‌ی اصلی، رأی و نظر مردم است و همه‌ی مشروعیت‌ها از این ناحیه سرچشمه می‌گیرد (حائری، ۱۳۸۳: ۵۶). در این نظام‌ها که قدرت سیاسی مشروعیت خود را از جامعه کسب می‌کند و مردم در ایجاد و استمرار نوع حکومت نقش دارند، بحران مشروعیت وجود ندارد، زیرا آزادی‌های اساسی، احزاب، نهادهای مدنی، تفکیک قوا و تعدیل قدرت وجود دارد و اعمال حاکمیت، مبتنی بر قانون است (علیپور، ۱۳۹۰: ۳۰). در جوامعی که اعتقاد بر این است که حکومت زمامداران باید ناشی از انتخابات آزاد و همگانی باشند یا نهادهای سیاسی باید توسط قوه مؤسسی منطبق با اراده‌ی عام باشند، نظام و افرادی مشروع خواهند بود که برآمده از انتخابات آزاد عموم باشد (قاضی «شریعت پناهی»، ۱۳۸۱: ۷۱) و برای پوچ نبودن این انتخابات لازم است آزادی‌های عمومی از جمله آزادی مطبوعات، احزاب، اجتماعات، مذاهب و غیره وجود داشته باشد (دوورژه، ۱۳۵۲: ۲۵). مشروعیت نظام دموکراتیک بر این منطق استوار است که اگر یک قانون اساسی بنا است مشروع باشد، باید از حمایت مردمی برخوردار باشد. در نظام دموکراتیک، مردم منشأ اولیه در مشروعیت بخشی به حکومت هستند،

با انتقال قدرت به حاکمان، نظام سیاسی شکل می‌گیرد و تداوم این نظام بستگی به اراده‌ی شهروندان دارد، نمی‌توان گفت که صرف شکل‌گیری نظام سیاسی بر اساس اراده و رضایت مردم و تغییر آن به دست خودشان نظام دموکراتیک حاکم است. اگر جامعه‌ای بتواند حاکمان سیاسی خود را به صورت دموکراتیک انتخاب کند، اما آنان نتوانند به‌درستی اعمال قدرت کنند و یا تا حدی پیش رود که اکثر مقامات تصمیم‌گیرنده، از طریق انتخابات برگزیده نشده باشند، چنین نظامی دموکراتیک و مشروع نیست. در هر حال، استمرار مشروعیت سیاسی وابسته به نهاد مؤسس است تا مردم بتوانند اراده‌ی خود را ابراز کنند.

#### ۴. رابطه مشروعیت با حقانیت، مقبولیت، قانونی بودن و اقتدار

در ادبیات سیاسی، واژه‌ی حقانیت نزدیک‌ترین لغت برای معنای خاص مشروعیت است؛ زیرا این واژه همزمان به دو موضوع متقابل اشاره دارد؛ یکی داشتن حق حکمرانی برای حاکمان و دیگری شناسایی و پذیرش این حق از سوی حکومت‌شوندگان (کریمی والا، ۱۳۸۹: ۸۱)؛ بنابراین مشروعیت و حقانیت دو مفهوم هم‌ارزند (کاکایی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). به عقیده ماکس وبر، مشروعیت عقیده‌ای است که در ذهن مردم نسبت به حقانیت قدرت شکل می‌گیرد و به این باور می‌رسند که قدرتی که بر آن‌ها حاکم است، موجه و مشروع است. برای آن‌که قدرت و صلاحیت تداوم یابد، باید با مشروعیت همراه باشد (صانعی، ۱۳۷۲: ۳۸۵-۳۸۶). نظام سیاسی مشروع با مخالفت‌ها و اعتراض‌ها روبه‌رو نیست. نظام سیاسی‌ای که از پشتیبانی مردم برخوردار است نیاز کم‌تری به استفاده از فشار و زور دارد. اطاعت آگاهانه و داوطلبانه‌ی مردم از نظام سیاسی و قدرت حاکم را در اصطلاح سیاسی، مشروعیت یا حقانیت یا برحق بودن می‌گویند و آن قدرت پنهانی در جامعه است که مردم را بدون فشار وادار به فرمانبری می‌کند و مستلزم اندیشه‌ی پذیرش آزادانه‌ی تصمیم‌های سیاسی و فرمانبری همراه با رضایت خاطر از این

## 1. Rightness.

تصمیم‌ها است (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۲۴۴). حق حکومت حاکم و پذیرش این حق از سوی شهروندان را مشروعیت می‌نامند. برخی، مشروعیت را به معنای مقبولیت می‌گیرند، اما معمولاً توافق و مقبولیت جمعی دست‌نیافتنی است و به نوعی در هر مسئله‌ای مخالفینی وجود دارد. به فرض که هر جا مقبولیتی بود مشروعیت هم باشد باز هم نمی‌توان مشروعیت را به معنای مقبولیت دانست، بلکه باید مقبولیت را مبنای مشروعیت دانست (زرشناس، ۱۳۸۳: ۱۱۶)، زیرا که مقبولیت به معنای رضایت‌مندی است و در نظام‌های خاصی مانند طرفداران حقوق طبیعی، به عنوان یکی از مبانی مشروعیت به حساب می‌آید (رضائیان، ۱۳۹۴: ۱۲۸). دیدگاه قرارداد اجتماعی، دو مفهوم مشروعیت و مقبولیت را درهم آمیخته است؛ گاه به‌گونه‌ای سخن در این است که چه قانونی در جامعه می‌تواند اجرا شود. هر نظام حقوقی برای آن‌که بتواند در جامعه‌ای استقرار و حاکمیت یابد، باید مقبول بخش مهمی از جامعه باشد (مریجی، ۱۳۸۸: ۱۱۰). عده‌ای هم مشروعیت را با قانونی بودن یکی می‌دانند و معتقدند چنانچه حکومتی بر مبنای قانون پذیرفته‌شده بر سر کار آید و حکمرانی کند، حکمش نافذ و مطاع خواهد بود (علیخانی، ۱۳۷۷: ۱۱۶). باید توجه داشت که مشروع بودن با قانونی بودن همیشه همگام نیست، اما در نظامی که قوانین را محترم شمارد و کارایی و قاطعیت هم داشته باشد، در درازمدت می‌تواند مشروع گردد (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۲۷۲). گاهی مشروعیت را مترادف با اقتدار که خود شامل اقتدار واقعی یا بالفعل و اقتدار مشروع یا قانونی به کار می‌برند؛ که منظور از اقتدار بالفعل، این است که فرد یا گروهی از افراد، اعمال قدرت بر خودشان را می‌پذیرند و از فرمان‌های کسانی که دارای آن قدرت هستند، پیروی می‌کنند. اقتدار مشروع یا قانونی، زمانی وجود دارد که اعمال قدرت به منزله‌ی یک حق توسط کسانی که قدرت نسبت به آن‌ها اعمال می‌گردد پذیرفته و یا توجیه می‌شود (راش، ۱۳۹۰: ۵۸-۵۹). در نظام‌های دموکراتیک، منظور از اقتدار همان قدرت مشروعی است که مردم به عنوان منشأ قدرت مورد شناسایی قرار می‌گیرند و فرمانروایان تنها از طریق یک نظام نمایندگی و با تصویب قوانین، حق اعمال قدرت را از سوی مردم کسب می‌نمایند.



منظور از دموکراسی نظامی است که قادر است تا قدرت را به اقتدار تبدیل کند. اقتدار در شرایطی به عنوان قدرت مشروع تلقی می‌گردد که اجزاء قدرت سیاسی انعکاسی از اراده‌ی سیاسی هر نسل باشد (دبیرنیا، ۱۳۹۳: ۹۱-۹۲). در مجموع می‌توان اذعان داشت که هیچ‌گاه مشروعیت را نمی‌توان همگام با مقبولیت دانست، زیرا ممکن است افراد بر امر نامشروع و یا غیرعاقله‌ای توافق کنند و آن را بپذیرند و تنها می‌توان مقبولیت را به عنوان مبنا فرض کرد. یکسان تلقی کردن مفهوم مشروعیت و اقتدار به طور مطلق امکان‌پذیر نیست و تنها زمانی همگام هستند که قدرت موجود در نظام دموکراتیک که از آن به اقتدار یاد می‌شود، بازتاب اراده و آراء مردمی باشد.

##### ۵. بنیان‌های مشروعیت در دموکراسی مدرن

مشروعیت نظام دموکراتیک مبتنی بر این ارزش است که قدرت ناشی از مردم است و این وفاق می‌تواند به عنوان تأیید پایه‌های مشروعیت، نظم فرمانروایی دولتی را توسعه دهد (پهلوان، ۱۳۷۴: ۴۱). از نظر یورگن هابرماس، اصل دموکراسی، فرآیند قانون‌گذاری مشروع را مشخص می‌کند و فقط قوانینی می‌توانند مشروع باشند که مورد توافق استدلالی شهروندان قرار بگیرند (هرسیج و حاجی‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۵). او استدلال می‌کند که دموکراسی قائم به بالندگی حوزه‌ی عمومی است که از طریق بحث و تبادل اطلاعات حاصل می‌شود (رشیدی، ۱۳۸۶: ۱۲۴). در جهان مدرن ارتباطی بدیهی میان قانون اساسی در نظام دموکراتیک و مشروعیت فرآیندهای قانون‌گذاری وجود دارد که غالباً این فرآیندها با معیار مشروعیت موردسنجش قرار می‌گیرد. فرآیند دموکراتیک در یک نظام سیاسی - حقوقی همان عامل مشروعیت بخشی به مجموعه‌ی نهادها و قوانین تأسیس شده است. در این میان پدیده‌ی مشروعیت ناشی از اراده مردم در بستر یک نظام دموکراتیک است؛ یعنی مردمی که دموکراسی را در راستای تأسیس قوانین و ساختارهای سیاسی مشروع به کار می‌گیرند (دبیرنیا، ۱۳۹۳: ۱۴۷). در قانون اساسی، بنیان این مشروعیت بر پایه‌ی اصولی مانند اصل احترام به اکثریت، انتخابات عمومی و برابری

همه‌ی شهروندان بیان شده است. در دموکراسی‌ها، تکیه بر افکار عمومی نقش مهمی دارد، زیرا مشروعیت حاکمان، مستلزم رضایت شهروندان و مشارکت افکار عمومی است (حاتمی، ۱۳۸۴: ۵۶-۵۷). مشروعیت مربوط به قانون اساسی دموکراتیک، درصدد اثبات این است که چرا مردم از فرمانی که از نظر قانون اساسی معتبر است، پیروی می‌کنند.

## ۶. زوال مشروعیت

اهمیت مشروعیت در این است که انگیزه‌های اخلاقی لازم برای همکاری و اطاعت از سوی مردم و تابعان قدرت را فراهم می‌کند. ثبات و کارآمدی نظام سیاسی و تداوم آن در بحران‌ها به وفاداری مردم گره خورده است که خود پیامد مستقیم مشروعیت به شمار می‌رود. در صورت فرسایش مشروعیت، نظام سیاسی به زور متوسل می‌شود، اما زور نمی‌تواند آنان را به اطاعت برانگیزد (حسینی زاده، ۱۳۹۳: ۲۸). راه‌های ایجاد مشروعیت، از وظایف مهم هر نظام سیاسی است. بر این اساس است که نظام‌های سیاسی از راه‌های گوناگون سعی می‌کنند که حکومت و حاکمیت خود را برای مردم، مشروع جلوه دهند و در غیر این صورت با بحران‌های مختلف مواجه خواهند شد. هر حکومتی اگر حقی برای اعمال قدرت نداشته باشد، نامشروع تلقی خواهد شد (اخلاقی، ۱۳۹۰: ۲۲۶). مشروعیت نظام‌های سیاسی نیز تا حدود زیادی در گروی ایجاد نهادهای سیاسی مشارکتی است (غرایاق زندی و پورسعید، ۱۳۸۵: ۷۲). مشارکت سیاسی و مشروعیت لازم و ملزوم یکدیگرند؛ هر اندازه مشارکت سیاسی مردم کم‌رنگ‌تر شود، همان‌قدر از مشروعیت حکومت و اقتدار آن کاسته می‌شود، زیرا قدرت با مشارکت سیاسی مردم ملازمه دارد. اگر مشارکت سیاسی مردم از بین برود، به تبع آن قدرت مشروع حکومت نیز از بین می‌رود و مشروعیت سیاسی حکومت زوال می‌یابد (علیخانی، ۱۳۷۷: ۲۷). حال اگر به دلایلی مشروعیت نظام از بین رود، به تبع آن حمایت مردم از نظام سیاسی هم از بین می‌رود، زیرا نظام آن عنصر اخلاقی که ستون اصلی مشروعیت است را ندارد (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۲۷۲). با فقدان مشروعیت و رضایت در نظامی که مردم به عنوان قوه مؤسس،

نقش اساسی در دموکراتیک جلوه دادن آن ایفا می کنند، این امکان وجود دارد که قدرت به صورت زور و اجبار اعمال شود و از آنجا که حق به زور تبدیل می شود، پایه های مشروعیت حاکمیت و حکومت نظام سیاسی متزلزل می شود.

#### ۷. مفهوم مشروعیت در نظام جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی مشروعیت نظام ایران بود که مفاهیم اساسی مانند آزادی عقیده، تفکیک قوا، مسئولیت دولت در برابر مردم، حقوق اساسی شهروندان و حاکمیت مردم و قانون مطرح شد. با انقلاب مشروطه بود که مردم ایران با مفاهیمی چون دولت، قانون، مشارکت و مشروعیت سیاسی آشنا شدند و به تدوین نهادهای سیاسی جدید مانند احزاب و مجلس همت نهادند (نواح، ۱۳۷۷: ۵۳۱). این جنبش، مبنای مشروعیت دولت را از زور به قانون مصوب نمایندگان مردم تغییر داد. لذا قدرت، مبتنی بر قانون گردید (گرجی ازندریانی، ۱۳۹۵: ۶۵۳). در نظام جمهوری، مشروعیت درونی یعنی وجود هماهنگی و تطابق هنجاری بین زمامداران و شهروندان که تنها از قلوب مردم برمی خیزد (گرجی ازندریانی، ۱۳۸۸، ۳۵۸). پس مهم ترین تحول انجام گرفته در این دوره ورود جایگاه مردم در مشروعیت بخشی به حکومت است.

#### ۷-۱. نظریات راجع به نقش مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران

از نظر دینی، مفهوم مشروعیت متواطی است و جنبه ی ارزشی و هنجاری دارد. مشروعیت دینی در امر حکومت مقدم بر تأسیس حکومت است. رهبران تا وصف شرعی نداشته باشند، افعال آن ها نامشروع است. (پورفرد، ۱۳۸۸: ۱۱۵). سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران وابسته به آراء مردم است؟ در جواب به این سؤال می توان به سه نظریه اشاره نمود:

۱. مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران در هرحال وابسته به رأی و نظر مردم است. بر اساس این نظریه، نظام جمهوری اسلامی بدون رأی مردم رسمیت نداشته و هرگونه اعمال

اقتدار بدون رضایت مردم، فاقد اعتبار قانونی دانسته شده است. در این نظریه تکیه بر بُعد «جمهوریت» نظام است.

۲. مطابق با این نظریه، حدود نفوذ رأی ملت، محدود به اجرای قوانین در عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی است، زیرا بدون رأی مردم، عالی‌ترین قانون هم امکان تحقق و اجرا نخواهد داشت. در این نظریه تکیه بر بُعد «اسلامیت» است.

۳. رأی مردم در چارچوب موازین اسلامی هم در مرحله‌ی تحقق حکومت و قانون-مداری و هم در مرحله‌ی اجرا است. مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران به انطباق با چارچوب و موازین اسلامی و نیز حاکمیت نظر مردم در تعیین سرنوشت خویش، وابسته است (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۶۲).

## ۲-۷. نظریات راجع به مبنای مشروعیت در نظام جمهوری اسلامی ایران

نظریه‌های نظام جمهوری اسلامی از آن حیث که دو مبنای متفاوت برای مشروعیت لحاظ کرده‌اند، دو مسیر کاملاً متفاوت از جریان قدرت را ترسیم می‌کنند که عبارت‌اند از:

### الف) نقش مردم در کارآمدی حکومت

این نظریه، ولایت فقیهان را در ادامه‌ی ولایت معصومان و به نصب الهی می‌داند و رأی مردم را ملاک مشروعیت دولت نمی‌داند، بلکه آن‌ها را موظف به اطاعت کردن از ولی و حاکم الهی می‌داند. در زمان غیبت نیز نقش مردم را نسبت به فقیه حاکم، از باب کارآمدی می‌داند. حاکمیت فقط حق خداست و امامان معصوم از سوی خدا حق حاکمیت بر مردم یافته‌اند. مردم هیچ مشروعیتی به حکومت فقیه نمی‌دهند، بلکه رأی و رضایت آن‌ها باعث به وجود آمدن آن می‌شود. اگر نظر مردم در مشروعیت حکومت دخالت داشته باشد، باید هر زمان که آن‌ها نخواستند فقیه، حاکم باشد، حکومت او نامشروع باشد، درحالی‌که فقیه در زمان غیبت ولایت دارد و این حق با موافقت مردم عینیت می‌یابد (فیرحی، ۱۳۸۸: ۲۹۶-۲۹۷). اسلام برای فرد کمال ذاتی قائل است و از آن فراتر، راه سیر به سوی کمال را نشان داده است، بنابراین

سرچشمه مشروعیت «صلاحیت» است و همه نهادهای حکومتی از باب کارآمدی نظام مهم هستند (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۳۸). در این نظریه از آنجا که مشروعیت حاکم را ناشی از مشروعیت الهی می‌داند، تمام ارکان حکومت مستند به اراده‌ی الهی و ولایت، ناشی از اذن امام معصوم (ع) است و رضایت مردمی زمینه‌ی اعمال ولایت را فراهم می‌سازد.

### ب) نقش مردم در مشروعیت دولت

این نظریه که با عنوان فقهی «انتخاب» مشهور است به مفهوم دموکراسی نزدیک‌تر است و رأی مردم را ملاک مشروعیت نظام جمهوری اسلامی می‌داند. البته مشروعیت بخشی مردم نظام جمهوری اسلامی به معنای صرف نظر کردن از شرایط مذهبی حاکم و حکومت نیست. امام خمینی (ره) هرچند که در متون اولیه‌ی خود مبنای نصب را اختیار کرده‌اند، در تعبیرات متأخر خویش، مشروعیت نظام و ولایت را ناشی از خواست و انتخاب مردم دانسته‌اند (فیرحی، ۱۳۸۸: ۲۹۵). در مجموع، مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر دو رکن حقانیت الهی و عقلانیت مشورتی است. نظام سیاسی از این جهت که حقانیت خود را از منبع متعالی با توجه به معیارهای حقانیت الهی دریافت می‌کند، سرشتی الهی می‌یابد، اما از این جهت که مشروعیتش نیازمند برخورداری از عقلانیت مشورتی است، سرشتی بشری پیدا می‌کند (رهبر و مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۹۶). استناد به اصل ششم (و یکصد و هفتم) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نقش مردم را در مشروعیت حکومت و ولایت فقیه به وضوح مشخص می‌نماید. اصل دوم قانون اساسی نیز مهم‌ترین تضمین برای حفظ مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران است. این اصل که وحی و امامت را از ارکان جمهوری اسلامی می‌داند، مشروعیت ارکان نظام را وابسته به ولی فقیه می‌داند که به طور قطع ایشان نیز مشروعیت خود را از طریق اختیاری که

۱. «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود...».

۲. «... تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است...».

خداوند داده است، می‌گیرد؛ بنابراین در نظام جمهوری اسلامی، هرچند مشروعیت حکومت از سوی خداوند است، اما نقش مردم در مقبولیت نظام مورد تأکید قرار گرفته است. پذیرش و رضایت مردمی، نقش اساسی در کارآمدی و تحکیم پایه‌های نظام دارد. حاکمی که مقبولیت مردمی نداشته باشد بر اعمال حکومت، قدرت ندارد، هرچند حکومتش از نظر شرعی، بالاترین درجه‌ی مشروعیت را داشته باشد. کسی که حکومتش مشروع نیست حق ندارد بر مردم فرمان براند، اگرچه مقبول آنان باشد و کسی که حکومتش مقبول مردم نیست، قدرت ندارد بر آنها حکمرانی کند، هرچند حکومتش شرعاً مجاز باشد. فعلیت مشروعیت حکومت شخص به مقبولیت مردمی بستگی دارد؛ بنابراین مشروعیت حکومت به حاکم، حق حکمرانی می‌دهد و مقبولیت آن به وی قدرت حاکمیت می‌بخشد.

### نتیجه‌گیری

در این نوشتار دو رویکرد مورد بررسی قرار گرفت؛ به طور کلی مشروعیت در نظام‌های دموکراتیک صرفاً جنبه‌ی مردمی دارد و مشروعیتی است که منشأ هر قدرت سیاسی را اراده مردم می‌داند و ارتباطی با مفهوم مشروعیت در شرع ندارد. بقای حکومت و حاکمیت منوط به مشروعیت سازی آن است. در نظام دموکراتیک، مشروعیت اهمیت زیادی دارد، زیرا دموکراسی مبتنی بر رضایت مردمی است و برخلاف تمایل آنها نمی‌توان مشروعیت را بر اراده‌ی آنان تحمیل کرد. استمرار مشروعیت سیاسی نیز منوط به پویایی نهاد مؤسس است تا مردم بتوانند اراده‌ی خود را ابراز کنند. حکومت‌ها برای تأمین مشروعیت سیاسی خود تلاش می‌کنند و هر اندازه درجه‌ی مشروعیت سیاسی نظام افزایش یابد، پایه‌های حکومت مستحکم‌تر می‌شود.

از سوی دیگر از منظر اسلام مشروعیت سیاسی با اصول اسلامی پیوند می‌خورد و حکومتی مشروع تلقی می‌شود که بر اساس تعالیم دینی شکل گرفته و مورد پذیرش مردم باشد. هیچ‌کس بدون اذن الهی، حق حاکمیت بر امور انسان‌ها را ندارد و ملاک مشروعیت حاکمیت، داشتن اذن الهی است. قانون اسلام و فرمان خدا بر همه افراد حکومت تام دارد. در این خصوص

جمهوری اسلامی ایران که بر پایه‌ی اسلام و قرآن قرار دارد به آیه «ما انزل الله» توجه ویژه‌ای دارد. چنانچه با بررسی کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌توان دریافت که حاکمیت مطلق از آن خداست و مشروعیت نظام بستگی به تبعیت از حاکمیت الهی دارد و تکیه صرف بر آرای مردم، جامعه را به سعادت نمی‌رساند بنابراین در صورت فقدان اذن الهی، حاکمیت حالت غیرمشروع به خود می‌گیرد؛ مانند حکومت‌های غربی که صرفاً مبتنی بر حاکمیت مردم است و دین را نه مبنای مشروعیت و نه مبنای عمل خود قرار می‌دهد و وظیفه‌ی دولت را تنها تأمین رفاه شهروندان می‌داند و به هدایت و کمال انسان‌ها توجهی ندارد. در نهایت می‌توان اذعان نمود که دموکراسی و مردم‌سالاری مبتنی بر قانون اساسی با مفهوم مشروعیت، چه در نظام‌های غربی و چه در نظام حقوقی ایران که مشروعیت آن مبتنی بر مبانی الهی - مردمی است، رابطه‌ی مستقیم دارد.

#### فهرست منابع

۱. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰)، مبانی سیاست، تهران: انتشارات توس، چاپ ششم، جلد اول.
۲. ابراهیمی، علیرضا (۱۳۹۰)، درسی‌نامه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: انتشارات آیین احمد «ص»، چاپ اول.
۳. احسانی، احمد (۱۳۸۶)، فرهنگ سیاسی مردم: بررسی تطبیقی فرهنگ سیاسی مردم در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات دفتر عقل، چاپ اول.
۴. اخلاقی، غلام سرور (۱۳۹۰)، رابطه قدرت و عدالت در فقه سیاسی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی «ص»، چاپ اول.

۵. اکبری، نورالدین (۱۳۸۸)، «روابط عمومی در نظام‌های سیاسی دموکراتیک و غیر دموکراتیک»، انجمن روابط عمومی ایران، ش ۶۸.
۶. باریه، موريس (۱۳۹۲)، *مدرنیته‌ی سیاسی*، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: آگه، چاپ سوم.
۷. بارنت، رندی ا.، (۱۳۸۴)، «مشروعیت قانون اساسی»، ترجمه عباس کدخدایی و عبدالعلی محمدی، *دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۷۰.
۸. بختیار، فضل‌الله (۱۳۸۳)، *تحولات حقوقی احزاب در ایران و نقش آن در توسعه مردم‌سالاری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق.
۹. پورفرد، مسعود (۱۳۸۸)، *مردم‌سالاری دینی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
۱۰. پهلوان، چنگیز (۱۳۷۴)، «مشروعیت دولت مدرن»، *کیان*، ش ۲۵.
۱۱. حاتمی، محمدرضا (۱۳۸۴)، *مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
۱۲. حائری، محمدحسن (۱۳۸۳)، «مردم‌سالاری دینی و مسأله مشروعیت»، *مطالعات اسلامی*، ش ۶۳.
۱۳. حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۹۳)، «مشروعیت چندلایه: تأملی در مبانی مشروعیت نظام سیاسی در سیره و کلام امام علی (ع)»، *علوم سیاسی*، سال هفدهم، ش ۶۸.
۱۴. دبیرنیا، علیرضا (۱۳۹۳)، *قدرت مؤسس: کاوشی در مبانی حقوق اساسی مدرن*، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ اول.



۱۵. موریس، دوورژه (۱۳۵۲)، *رژیم‌های سیاسی*، ترجمه ناصر صدر الحافظی، تهران: انتشارات فرانکلین، چاپ سوم.
۱۶. رشیدی، احمد (۱۳۸۶)، «بازاندیشی دموکراسی و تحول رابطه‌ی جامعه و دولت در عصر جهانی‌شدن»، *سیاست*، ۳۷، ش ۳.
۱۷. رضائیان، علی (۱۳۹۴)، «بررسی آرای فقهای متقدم در نسبت خواست مردم و مشروعیت حکومت (تا قرن هشتم)»، *حکومت اسلامی*، ش ۲.
۱۸. رهبر، عباسعلی؛ مقدمی، مهرداد (۱۳۹۰)، «بنیان‌های حقوقی مردم‌سالاری دینی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هشتم، ش ۲۵.
۱۹. زرشناس، شهریار (۱۳۸۳)، *بحران جهانی دموکراسی و اندیشه مردم‌سالاری دینی در ایران*، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
۲۰. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۸)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی، چاپ بیستم.
۲۱. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *مشارکت سیاسی*، تهران: نشر سفیر، چاپ اول.
۲۲. علیپور، محمدحسن (۱۳۹۰)، *اخلاق و دموکراسی (مجموعه مقالات)*، تهران: پایان، چاپ دوم.
۲۳. غرایاق زندی، داود؛ پورسعید، فرزاد (۱۳۸۵)، *نهادهای مدنی و هویت در ایران*، تهران: تمدن ایرانی، چاپ اول.
۲۴. فیرحی، داود (۱۳۸۸)، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران: سمت؛ مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی، چاپ هفتم.
۲۵. قاضی «شریعت پناهی»، سید ابوالفضل (۱۳۸۱)، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: نشر میزان، چاپ سی و سوم.

۲۶. فاضلی، میرزا حسین (۱۳۹۰)، جایگاه مردم در نظام سیاسی - دینی از منظر آیت‌الله نائینی و شهید صدر، قم: مرکز ترجمه و نشر المصطفی «ع»، چاپ اول.
۲۷. قیم، عبدالنبی (۱۳۹۳)، فرهنگ معاصر (عربی - فارسی)، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول، جلد دوم.
۲۸. پرویز صانعی (۱۳۷۲)، جامعه‌شناسی ارزش‌ها، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
۲۹. صدوری افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسرین؛ حکمی نسترن (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی معاصر یک جلدی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ سوم.
۳۰. صفرپور، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، مبانی مشروعیت سیاسی در قرآن کریم با تأکید بر آراء تفسیری حضرت آیت‌الله علامه جوادی آملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۳۱. راش، مایکل (۱۳۹۰)، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات اوقاف، چاپ دهم.
۳۲. لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۳)، حکومت؛ مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران: سروش، چاپ اول.
۳۳. کاکایی، مستانه (۱۳۸۹)، «مشروعیت در حکومت اسلامی»، مجلس و پژوهش، سال شانزدهم، ش ۶۲.
۳۴. کریمی والا، محمدرضا (۱۳۸۹)، «نظرگاه اسلام در جستاری بر تقریرهای مشروعیت نظام سیاسی»، حکومت اسلامی، سال پانزدهم، ش ۳.
۳۵. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، در تکاپوی حقوق اساسی، تهران: جنگل، چاپ اول.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)، حقوقی سازی سیاست، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.

۳۷. لاگلین، مارتین (۱۳۹۲)، *مبانی حقوق عمومی*، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی، چاپ سوم.

۳۸. مرندی، محمدرضا (۱۳۷۱)، *مبانی و شرایط مشروعیت نظام سیاسی در اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی.

۳۹. مریجی، شمس‌الله (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی قانون و حاکمیت در ساختار سیاسی اسلام و دموکراسی»، *علوم سیاسی*، ش ۴۷.

۴۰. نجفی افرا، مهدی (۱۳۸۴). «اسلام و دموکراسی»، *علوم سیاسی: اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۲۱۷-۲۱۸.

۴۱. عبدالرضا نواح (۱۳۷۷)، «نگرش تطبیقی به تدوین قانون اساسی مشروطه در بستر تاریخی - اجتماعی آن»، *همایش جمهوریّت در انقلاب اسلامی*.

۴۲. هرسیج، حسین؛ حاجی‌زاده، جلال (۱۳۸۹)، «تبیین دموکراسی رایزنانه در اندیشه‌های فلسفی هابرماس»، *حکمت و فلسفه*، سال ششم، ش ۳.

۴۳. هیوود، اندرو (۱۳۷۸)، *مفاهیم کلیدی در علم سیاست*، حسن سعیدکلاهی و عباس کردان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.

۴۴. H. Birch, Anthony (1993), **The Concepts and Theories of Modern Democracy**, London and New York.